در تنگنای بیم و امید
پژوهشی در مورد زندگی مهاجران مسلمان در کانادا

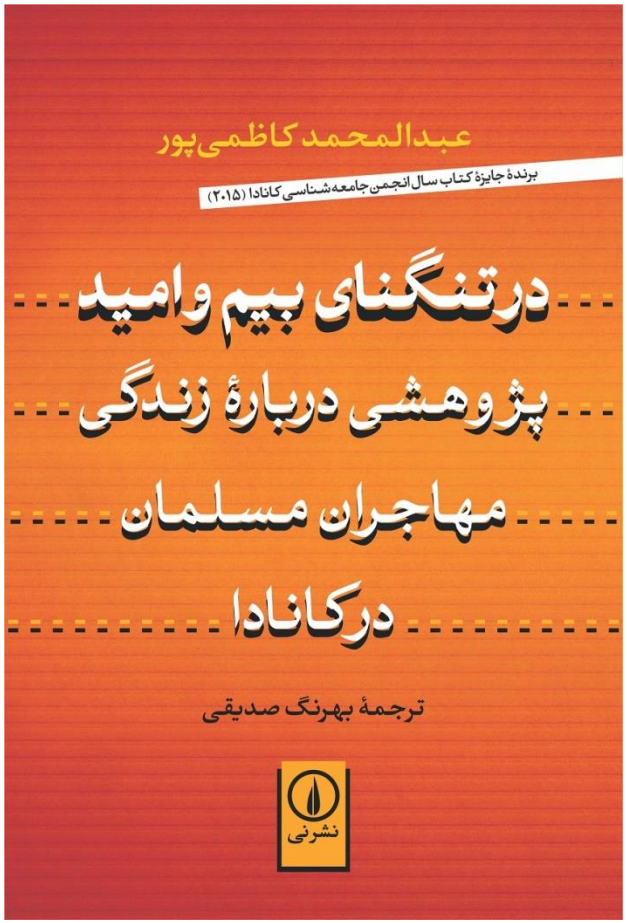

- نوشته عبدالمحمد کاظمی پور
- ترجمه بهرنگ صدیقی
- نشر نی
- ۳۱۹صفحه- ۲۸هزار تومان

- کتاب سال انجمن جامعه شناسی کانادا در ۲۰۱۵

مخاطبان کتاب

۱- آن ها که به «مهاجرت» فکر مي‌کنند.
افرادي از جامعه که در فکر مهاجرت از ایران بوده یا هستند.

۲- آن ها که به «موضوع مهاجرت» فکر مي‌کنند.
کساني که به پژوهش یا سیاست‌گذاري درباره مهاجرت و سایر موضوعات اجتماعي مرتبط با آن مشغول‌اند.

برخورد تمدن ها

ساموئل هانتینگتون در کتاب «برخورد تمدن ها» (۱۹۹۶) پیش بینی کرده بود که تخاصم میان مسلمانان و غیرمسلمانان در سراسر جهان اوج می گیرد.

جهان پس از جنگ سرد بر این فرض مبتنی است که تعارضات جهانی را از این پس وابستگی های فرهنگی رقم خواهند زد نه اعتقادات ایدئولوژیک.

گسل های جدید را می بایست بین بلوک های فرهنگی نسبتا یکدست یافت و نه بین کشورهایی با ایدئولوژی های سیاسی متفاوت نظیر مارکسیسم و سرمایه داری.

دو نوع درگیری: «بینا تمدنی» در سطح جهانی و «بیناقومی» در سطح محلی.

برخورد تمدن ها

تئوری هانتینگتون عمدتا بر محور ملت ها و اقلیت های قومی دیرپا می چرخید نه اجتماعات مهاجران. این اشتباه پیش بینی او بود.

امروزه مسئله ی افزایش بی وقفه ی مهاجرت مسلمانان به کشورهای مهاجرپذیر غربی از پدیده ای صرفا جمعیتی به مسئله ای اجتماعی سیاسی بدل شده است.

نامعمول بودن مسلمانان

۴ پیشفرض جوامع مهاجرپذیر در مورد مسلمانان:

۱- مهاجران مسلمان معمولا با جوامع میزبان هماهنگ نمی شوند.

۲- این وضعیت نه از عواملی تصادفی بلکه از تصمیم آگاهانه ی آنان ناشی می شود.

۳- این تصمیم آگاهانه از آن جا ریشه می گیرد که مهاجران مسلمان هدفشان نه در آمیختن در جوامع غربی بلکه تسلط بر آن هاست.

۴- در این خصوص مسلمانان همه یکسان اند و هیچ تمایزی بین مسلمانان تندرو و میانه رو و مسلمان محافظه کار با لیبرال نیست.

چندفرهنگ گرایی در کانادا (Multiculturalism)

کانادا نخستین کشوری بود که سیاست چندفرهنگ گرایی را رسما اختیار کرد و غالبا هم به عنوان کشوری موفق در این سیاست یاد می شود.

مرحله ی آغازین چندفرهنگ گرایی (پیش از ۱۹۷۱)

مرحله ی تکوین (۱۹۷۱-۱۹۸۱): پیر ترروودو نخست وزیر وقت کانادا در ۱۹۷۱ این سیاست را اتخاذ کرد.

مرحله ی نهادینگی (۱۹۸۲ به بعد): قانون جامع چندفرهنگ گرایی کانادا (Canadian Multiculturalism Act) در ۱۹۸۸ در مجلس این کشور تصویب شد.

مهم ترین کتاب در این زمینه «چندفرهنگ گرایی و سیاست به رسمیت شناختن تفاوت ها» نوشته ی چارلز تیلور ترجمه ی طاهر خدیو و سعید ریزوندی:

«چندفرهنگ گرایی مولفه ای بنیادین در نگرش انسان به جهان و به خود»

چندفرهنگ گرایی در کانادا (Multiculturalism)

حوادث ۱۱ سپتامبر مرحله ی جدیدی در حیات چندفرهنگ گرایی رقم زد و موج جدیدی از انتقادها را نسبت به آن در دانشگاه و جامعه برانگیخت. در این مقطع مسلمانان دائما آشکارا و تلویحی مورد ارجاع قرار گرفتند.

مسلمانان به مثابه معضل (The Muslim Question)

این مفهوم به جایگاه مجزای مهاجران مسلمان در دموکراسی های لیبرال غربی و نیز به بحث ها و مناقشات درگرفته حول آن اشاره می کند.

دلیل این نامگذاری شباهت های بسیاری است که میان تجربه های امروز مهاجران مسلمان با تجربه ی اقلیت های یهودی در اواخر قرن نوزدهم در اروپا دیده می شود... پدیده ای که به نام The Jewish Question خوانده می شود.

هانتیگتون: سامی ستیزی که پیشتر در اروپای غربی علیه یهودیان بود حالا عرب ها را نشانه رفته است.

Integration

در این کتاب به فراخور مطلب این اصطلاح ترجمه های متفاوتی داشته:

پیوندیابی

جاافتادن

استقرار

هماهنگ شدن

Integration

در این کتاب فرآیند جا افتادن مهاجران و از جمله مهاجران مسلمان در جوامع مقصد فرآیندی چند بعدی دانسته شده:

۱- عرصه ی نهادهای عمومی

۲- عرصه ی رسانه های همگانی

۳- عرصه ی اقتصادی

۴- عرصه ی فضای اجتماعی/جمعی

بسته به ماهیت رابطه ی دو گروه یعنی مهاجران و جامعه ی میزبان در هر یک از عرصه ها وضعیت های مثبت یا منفی، سالم یا ناسالم، به هنجار یا مسئله مند بروز پیدا می کند.

رویکرد کلی کتاب

رویکرد پیر بوردیو جامعه شناس فقید فرانسوی رویکرد این کتاب است.

۱- التقاط رشته ای و تئوریکی. بی اعتنایی کامل به مرزهای رشته ای، گستره ای شگفت آور از قلمروهای پژوهشی تخصصی و به هم آمیختن سبک های جامعه شناختی گوناگون.

این التقاط مشخصه ی پژوهش های مسئله محور است. زیرا مسائل اجتماعی در مرزبندی های مصنوعی بین رشته ها نمی گنجند.

استفاده از داده های سیاسی، اقتصادی، فلسفه ای و...

۲- مفاهیم کلیدی بوردیو: میدان (field)، عادتواره (Habitus) و سرمایه (capital) که راهی بین اردوگاه ساختارگرایان و عاملیت محورها بود.

۳- گفتگوی طبیعی بین تئوری و کارهای تجربی

۴- استفاده از گستره ی وسیعی از داده ها و روش های گردآوری داده ها از گزارش های دقیق مردم نگارانه گرفته تا الگوهای آماری

رویکرد کلی کتاب

رویکرد پیر بوردیو جامعه شناس فقید فرانسوی رویکرد این کتاب است.

۱- التقاط رشته ای و تئوریکی. بی اعتنایی کامل به مرزهای رشته ای، گستره ای شگفت آور از قلمروهای پژوهشی تخصصی و به هم آمیختن سبک های جامعه شناختی گوناگون.

این التقاط مشخصه ی پژوهش های مسئله محور است. زیرا مسائل اجتماعی در مرزبندی های مصنوعی بین رشته ها نمی گنجند.

استفاده از داده های سیاسی، اقتصادی، فلسفه ای و مطالب مرتبط و یافته های متخصصان سایر حوزه ها

۲- مفاهیم کلیدی بوردیو: میدان (field)، عادتواره (Habitus) و سرمایه (capital) که راهی بین اردوگاه ساختارگرایان و عاملیت محورها بود.

۳- گفتگوی طبیعی بین تئوری و کارهای تجربی

۴- استفاده از گستره ی وسیعی از داده ها و روش های گردآوری داده ها از گزارش های دقیق مردم نگارانه گرفته تا الگوهای آماری

پیوندیابی ضعیف مسلمانان با جوامع میزبان

موضوع اصلی «مسلمانان به مثابه معضل» این است که پیوندیابی مسلمانان با جوامع میزبان بسیار کند بوده است.

پرطرفدارترین تبیین در مورد چرایی این پدیده این است که مسلمانان یا اصلا نمی خواهند با کشور میزبان هماهنگ شوند و یا اگر هم بخواهند قادر به این کار نیستند.

تقلیل گرایی و ذات باوری دو مشکل عمده ی این تبیین است.

اما برای این مشکل راه های متعددی وجود دارد. راه حل های و سیاستگذاری هایی برای بهبود پیوندیابی مهاجران در جامعه ی میزبان که می توان این راه حل ها را در دسته بندی های گوناگونی قرار داد:

- بر اساس عاملیت مورد نظر (پیوندیابی بر عهده ی چه کسی باشد؟ گروه اکثریت یا اقلیت یا هردو؟)
- بر اساس حوزه ی کار و نوع کار این کارگزاران (فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی)

پیوندیابی ضعیف مسلمانان با جوامع میزبان

اما برای این مشکل راه های متعددی وجود دارد. راه حل های و سیاستگذاری هایی برای بهبود پیوندیابی مهاجران در جامعه ی میزبان که می توان این راه حل ها را در دسته بندی های گوناگونی قرار داد:

- بر اساس عاملیت مورد نظر (پیوندیابی بر عهده ی چه کسی باشد؟ گروه اکثریت یا اقلیت یا هردو؟)
- بر اساس حوزه ی کار و نوع کار این کارگزاران (فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی؟)
- بر اساس آن جنبه ای از وجود افراد که می بایست تغییر کند (تغییر رفتارها(بدن)، اطلاعات(ذهن) یا احساسات(روح)؟)

دیدگاه های کیستی در مورد پیوندیابی

قدیمی ترین و جافتاده ترین پاسخ در مورد «کیستی» پیوندیابی آنی است که مسئولیت را در وهله ی نخست بر دوش گروه های اقلیت می گذارد. استدلال پشت آن نیز این است که معیارها و قوانین را به ویژه در جوامع دموکراتیک اکثریت تعیین می کند. تئوری «مانندگردی» مصداق بارز این رویکرد است.

دیدگاهی دیگر این مسئولیت را بر دوش اعضای اکثریت جامعه می گذارد و آن ها را عامل اصلی یا سبب ساز پیوندیابی می داند. در این رویکرد اقلیت حق دارد میراث فرهنگی اش را حفظ کند. نتیجه ی چنین دیدگاهی در عمل سیاست هایی بوده نظیر گنجاندن مواد درسی در برنامه ی آموزشی مدارس در خصوص فرهنگ گروه های اقلیت.

رویکرد سومی هم وجود دارد که سمت و سویی فرهنگی دارد و بر نیاز به بهبود فضای تفاهم میان دو گروه اقلیت و اکثریت تاکید می کند.

راه حل های پیوندیابی مهاجران با جوامع میزبان

		چیستی (ماهیت مسئله/ راه حل)		
		فرهنگی	سیاسی	اقتصادی
چیستی (عامل تغییر)	اکثریت	۱- کار فرهنگی-آموزشی و برنامه های ضدنژادپرستی	۲- سیاست به رسمیت شناختن فرهنگ اقلیت ها	۳- مبارزه با تبعیض
	اقلیت	۴- مانندگردی/ انزوا	۵- مشارکت سیاسی	۶- عدم وابستگی به کمک های دولتی
	اکثریت و اقلیت	۷- گفت و گوهای بینادینی		

نقد رویکرد«مانندگردی»

فرض این رویکرد: اقامت طولانی مدت مهاجران در کشورهای میزبان موجب می شود موانعی که آن ها از لحاظ زبانی و فرهنگی برای جافاتادن در این کشورها دارند از میان بروند، رفته رفته وارد شبکه های روابط اجتماعی با بومیان شوند، به ادامه تحصیل بپردازند، مهارت های شغلی شان را ارتقا دهند و به شبکه های کاریابی موجود ددر کشور وارد شوند یا کسب و کاری شخصی دست و پا کنند و در نتیجه تحرک اجتماعی رو به بالایی را آغاز نمایند.

به عبارت دیگر این رویکرد حاکی از آن است که پایگاه اجتماعی-اقتصادی مهاجران با مدت زمان اقامتشان در کشور میزبان همبستگی مستقیم و با سن آنها به هنگام مهاجرت همبستگی معکوس دارد.

اما در دوه دهه ی پایان قرن بیستم این رویکرد دچار تلاطم شد. زیرا تجربه بیشتر مهاجران جدید که عمدتا از کشورهای غیراروپایی به آمریکای شمالی می آمدند با این تئوری همخوانی نداشت.

نقد رویکرد«مانندگردی»

این تئوری برای مهاجران بین سال های ۱۸۸۰ تا ۱۹۲۵ به آمریکا مصداق داشت. چرا که اقتصاد پیوسته رو به رشد بود و در این رشد کار فیزیکی مهاجران نقش عمده ای داشت. اما امروزه این وضعیت دیگر وجود ندارد.

به تعبیر هانتینگتون اجافتادن کسانی که تا اواخر دهه ۱۹۶۰ مهاجرت می کردند محتملتر بود. زیرا بیشترشان از اروپا می آمدند. مهاجران امروزی اما از چند کشور معدود و از هر کدام به تعداد زیاد می آیند.

مهاجران قدیمی پس از رسیدن در جوامع مقصد پراکنده می شدند اما مهاجران جدید کولونی تشکیل می دهند.

در نتیجه ی وجود فناوری های ارتباطی و ترابری نه مهاجرت برای مهاجران سفری یک طرفه است و نه پیوندیابی با جوامع میزبان تنها گزینه ی پیش رو.

نقد رویکرد«مانندگردی»

در پاسخ به این تغییرات دو راه حل متفاوت مطرح شد:

۱- جوامع میزبان با اتخاذ رویکرد و سیاستی چندفرهنگ گرا به استقبال این تنوع نوپدید فرهنگی و قومی مهاجران بروند (سیاست به رسمیت شناختن)

۲- بازگشتی دوباره به رویکرد مانندگردی. ولی این بار به جای خصلت توصیفی خصلتی تجویزی به خود گرفت: مهاجران «باید» شبیه جامعه ی میزبان شوند.

نقص عمده ی این رویکرد این است که بار پیوندیابی را تماما بر دوش مهاجران می گذارد.

از آن طرف در حالی که حتی اگر مهاجران همه ی آن چه را هم که از آنان انتظار می رود انجام دهند باز تضمینی وجود ندارد که جامعه ی میزبان آن ها را بپذیرد.

نقد رویکرد«سیاست به رسمیت شناختن»

سیاست های چندفرهنگ گرایی که در دو دهه ی پایانی قرن بیستم در کشورهای گوناگون غربی پیاده شدند ابتکارهایی عمدتا سیاسی بودند اما مبتنی بر مفروضاتی فلسفی. این مفروضات بعدها «سیاست به رسمیت شناختن تفاوت ها» خوانده شدند.

چارلز تیلور با ابداع این اصطلاح و بار فلسفه یی که به بهترین نحو به آن داد درصدد برآمد میراث فرهنگی و قومی افراد بخشی از حقوق پایه ی انسانی آنان معرفی کند.

شواهدی وجود دارد مبنی بر این که تجربه ی بهتر مسلمانان در کانادا تا حدودی ناشی از وجود نوعی سیاست به رسمیت شناختن چندفرهنگ گرایی در این کشور است.

نقد رویکرد«سیاست به رسمیت شناختن»

به سیاست به رسمیت شناختن ویژگی های فرهنگی چندین نقد عمده وارد شده است؛ از جمله این که این سیاست می تواند منجر به از دست رفتن همبستگی اجتماعی و یا تضییع حقوق اقلیت هایی شود که خود درون گروه های اقلیت جای دارند (نظیر زنان در گروه های مهاجر دارای فرهنگ مردسالار، اقلیت های جنسی و کودکان).

نقد دیگر این است که چنین سیاستی چه بسا به راحتی با یک هویت مشترک جمع نشود. این چالش بسیار مهم است و کلید حفظ چندفرهنگ گرایی تقویت آن از راه پیوند زدنش به هویت ملی است. مسئله ای که هواداران چندفرهنگ گراییی یا اعتنایی به آن نکرده اند یا به قدر کافی به آن نپژرداخته اند.

نقد رویکرد«مشارکت سیاسی مهاجران مسلمان»

اساس این رویکرد در مورد مهاجران مسلمان این است که آن ها به بازنگری در آن دسته از باورهای شان که تابه حال مانع زندگی عادی آنان در دموکراسی های غربی و همزیستی مسالمت آمیزشان با ساکنان غیرمسلمان کشورها شده بپردازند.

مسلمانان باید ایده های فلسفی و خوانشی را که از تاریخ دینشان دارند اصلاح کنند و دریابند که نمی توانند در کشورهای غیرمسلمان عینا همچون جوامع مسلمان زندگی کنند.

«فقه الاقلیات» گفتمانی است که با این رویکرد ایجاد شده تا زندگی مسلمانان در کشورهای غیرمسلمان هم آْن تر و هم منطبق تر با اصول اسلامی باشد.

نقد رویکرد«مشارکت سیاسی مهاجران مسلمان»

یوسف القرضاوی از علمای مسلمان مصری فهرستی کامل از مسائل و مشکلات مسلمانان مهاجر را فراهم آورده و چکیده ای از رویکرد خود و دیگر مبلغان «فقه الاقلیات» ارائه کرده است: (ص۸۲ و ۸۳)

- پرسش های مربوط به مسئله ی کلی زندگی در کشورهای غیرمسلمان و الزامات آن (حضور مسلمانان در کشورهای غربی از لحاظ دینی موجه است؟ و...)
- پرسش های مربوط به چالش های عملی در زندگی روزمره (مثلا خوردن گوشت در رستوران ها و...)
- پرسش های مربوط به کار در محیط هایی که در آن ها گوشت خوک و الکل عرضه می شود.
- پرسش های مربوط به امور مدنی نظیر ازدواج و طلاق
- پرسش های مربوط به کار با نظام های بانکی مبتنی بر بهره
- پرسش های مربوط به مشاکرت در عرصه ی سیاسی در کشورهای میزبان

نقد رویکرد«مشارکت سیاسی مهاجران مسلمان»

القرضاوی برای ارائه ی یک نظام منسجم «فقه الاقلیات» پیشنهاد می کند آ> علمای مسلمانی که دغدغه ی مسائل اقلیت های مسلمان را دارند فتواهای خود را بر این اصول فقهی مبتنی کنند:

- اجتهاد به جای پیروی صرف ازفتواهای علمای دینی پیشین
- توجه به شرایط واقعی زندگی اقلیت های مسلمان
- توجه به نیازهای اجتماعات مسلمانان و نه فقط نیازهای فردی تک تک آنان
- کوشش برای یافتن راه حل هایی که زندگی مسلمانان را راحتتر کند نه پیچیده تر
- کاهش الزامامت و انتظارات دینی زا مسلمانیی که در شرایط دشوار زندگی می کنند.
- قائل شدن به تحقق تدریجی سبک زندگی اسلامی در میان این مسلمانان به جایر رویکردی تحقق یک باره
- توجه به نیازها و ملزومات انسانی و در نتیجه کاهش الزامات دینی

نقد رویکرد«مشارکت سیاسی مهاجران مسلمان»

به تعبیر القرضاوی همان طور که مهاجرت مسلمانان در صدر اسلام موجب بسط و گسترش اسلام شد، مهاجرت مسلمانان در دوره ی اخیر هم همین پیامد را خواهد داشت.

نارسایی های راه حل های موجود

راه حل های موجود سه نارسایی کلی دارند:

۱- تلقی هویت به مثابه امری ثابت

۲- جستجوی راه حل صرفا در محدوده ی نهادهای عمومی و سیاست های کلان (مثال قانون برابری در فرصت های شغلی در کانادا که تمهیدی نهادی است برای کمک به رفع نابرابری علیه اقلیت ها،اما در عمل اتفاق نمی افتد.)

چارلز تیلور می گوید برای تنش زدایی بین جامعه ی میزبان و مهاجران دو راه می بایست پی گرفته شود: راه حقوقی و راه شهروندی.

۳- تلقی فرآیند پیوندیابی مهاجران به منزله ی پدیده ای که صرفا در قلمروهای شناختی و رفتاری رخ می دهد.

طرح یک چهارچوب مفهومی بدیل: رویکرد تعاملی

چهارچوب مفهومی پیشنهادی این کتاب هویت را امری منعطف می داند که در نتیجه آن هم تغییر هویت امکان پذیر می شود و هم داشتن هویت های متعدد و گاه حتا رقیب. بر مبنای این چهارچوب تقویت پیوند عاطفی مهاجران با کشور جدیدشان بهترین نشانه ی پیوندیافتگی شان با جامعه ی میزبان است.

پیش زمینه های این رویکرد:

۱- احساسات به مثابه عامل موثر در قضاوت های شناختی

نشانه ی واقعی پیوندیابی مهاجران قابلیت آنان است در ایجاد پیوندهای عاطفی با کشور جدیدشان و نه اموری عارضی نظیر شرکت در انتخابات عمومی یا تبعیت از قوانین یا اطلاع از تاریخ کشور که فقط مولفه های فیزیکی و شناختی مهاجران را در این امر لحاظ می کند. در غیاب احساسات خوشایند احتمال شکل گیری تصویری از جامعه ی میزبان در ذهن مهاجران بیشتر می شود و همین امر مانع از پیوندیابی بیشترشان با آن جامعه می شود.

طرح یک چهارچوب مفهومی بدیل: رویکرد تعاملی

پیش زمینه های این رویکرد:

۲- اهمیت تعاملات در قلمرو اجتماعی

تبیین پدیده های اجتماعی با دو رویکرد ساختارگرایی و عاملیت محوری.

ساختارگرایی عوامل نهادی را تعیین کننده ی کنش های ما می داند.

عاملیت محوری نقش محوری را به شخص کنشگر می دهد.

رویکرد رابطه ای تلاش می کند بینابین باشد و در وهله ی نخصت به سیالیت فرآیندهای اجتماعی و تنوع پیامدهای احتمالی آن فرآیندها اذعان دارد. پیامدهایی که هیچ کدامشان قطعی و حتمی نیستند و تحقق یا عدم تحقق شان به خصلت فرآیندهای اجتماعی بستگی دارد.

این که پیوندیابی اتفاق بیفتد یا نه و آن هم به چه میزان و با چه ویژگی هایی همه به ماهیت «روابطی» بستگی دارد که میان مهاجران و جامعه ی میزبان برقرار می شود.

طرح یک چهارچوب مفهومی بدیل: رویکرد تعاملی

اگر بپذیریم که پیامد دلخواه فرآیند پیوندیابی مهاجران عبارت است از شکل گیری احساس تعلق به جامعه ی میزبان و رشد پیوندی عاطفی با آن و همچنین پدید آمدن یک هویت مشترک با اکثریت، مدعای اصلی مطالعه ی حاضر این است که عامل تعیین کننده در چنین فرآیندی ماهیت روابط و تعاملات مهاجران با جامعه ی میزبان (اعم از نهادها و مردم آن جامعه) است.

اصول موضوعه ی اصلی این رویکرد را می توان چنین بیان کرد:

۱- قوت احساس تعلق گروه های مهاجران به جامعه ی میزبان همبستگی مستقیمی دارد با میزان اشتراکات هویت این مهاجران با هویت ملی جامعه ی میزبان

۲- چنین هم پوشانی هایی نیز به تاثیر از دو مجموعه عوامل ایجاد می شوند: عوامل نهادی و عوامل وضعیتی .

عوامل نهادی (Institutional) مشتمل است بر برابری یا نابرابری در دسترسی به منابع مهم اقتصادی و سیاسی

عوامل وضعیتی (Situational) نیز ناظر بر روابط میان افراد و گروه ها در سطوح خرد است.

طرح یک چهارچوب مفهومی بدیل: رویکرد تعاملی

۳- تعاملات وضعیتی اهمیت ویژه ای در پرورش احساس هویت مشترک دارند.

تماس اجتماعی میان مردمانی با پیشینه های متفاوت قویم و فرهنگی می تواند تصورات و پنداشته های کلیشه ای منفی آنان را نسبت به یکدیگر رفع کند و در عوض هویت های تازه و مشترکی در آنان پدید آورد. به بیان دیگر از این راه خطوط جداکننده ی خود ی و غیرخودی تغییر می کنند.

۴- این دگرگونی در هویت ها و فرورختن پیش انگاشته ها به کمک چهار سازو کار میسر می شود:

الف- آموختن درباره ی «غیرخودی»ها و تصحیح کج فهمی هایی که ممکن است نسبت به آن ها وجود داشته باشد.

ب- تغییر رفتار اعضای گروه های مرتبط نسبت به یکدیگر

ج- شکل گیری دلبستگی های عاطفی و احساسی میان افراد متعلق به گروه های متفاوت

د- تضعیف نگاه های قوم مدار در نتیجه ی آگاهی از وجود دیدگاه ها و فرهنگ های دیگر

طرح یک چهارچوب مفهومی بدیل: رویکرد تعاملی

چهار پیش شرط سازوکارهای دگرگونی در هویت ها و فروریختن پیش انگاشته ها:

- منزلت برابر گروه ها در هر وضعیت
- وجود اهداف مشترک بینا گروهی
- همکاری این گروه ها برای تحقق آن اهداف مشترک و نه رقابت آن ها با یکدیگر
- برخورداری از حمایت صاحب منصبان و قانون و یا سنت

۵- تغییر هویت لزوما به معنای جانشینی یک هویت با هویت یدیگر نیست. افراد ممکن است همزمان چند هویت جداگانه داشته باشند و بسته به شرایط یکی از آن ها غالب شود. بنابراین چه بسا در مواردی تغییر هویت یک گروه صرفا به معنای تغییر در محتویات سبد هویتی آن گروه باشد.

سبد هویتی (Identities portfolio)

به معنای مجموعه هویت های گوناگونی است که فرد با خود حمل می کند و در هر شرایطی یکی ای بعضی از آن ها نقش مسلط را در تعریف فرد از خود بازی م یکند. این هویت ها ممکن است با یکدیگر همساز یا ناهمساز باشند، یکدیگر را تقویت یا تضعیف کنند، یکسان بمانند یا در طول زمان تغییر کنند.

راه حل های پیوندیابی مهاجران با جوامع میزبان

چیستی (ماهیت مسئله/ راه حل)				
	فرهنگی	سیاسی	اقتصادی	اجتماعی
چیستی (عامل تغییر) اکثریت	۱- کار فرهنگی- آموزشی و برنامه های ضدنژادپرستی	۲- سیاست به رسمیت شناختن فرهنگ اقلیت ها	۳- مبارزه با تبعیض	
اقلیت	۴- مانندگردی/ انزوا	۵- مشارکت سیاسی	۶- عدم وابستگی به کمک های دولتی	
اکثریت و اقلیت	۷- گفت و گوهای بینادینی			۸- تعامل/ روابط اجتماعی

نمودارهای آماری مورد استفاده در کتاب

میزان پیوند به کانادا در میان رسته های متفاوت مهاجران در کانادا (۴ رسته مهاجر در کانادا وجود دارد: خویشاوندی، سرمایه گذاران، پناهندگان و متخصصان)

موج ۱: ۶ ماه بعد از ورود- موج ۲: ۲ سال بعد از ورود- موج ۳: ۴ سال پس از ورود

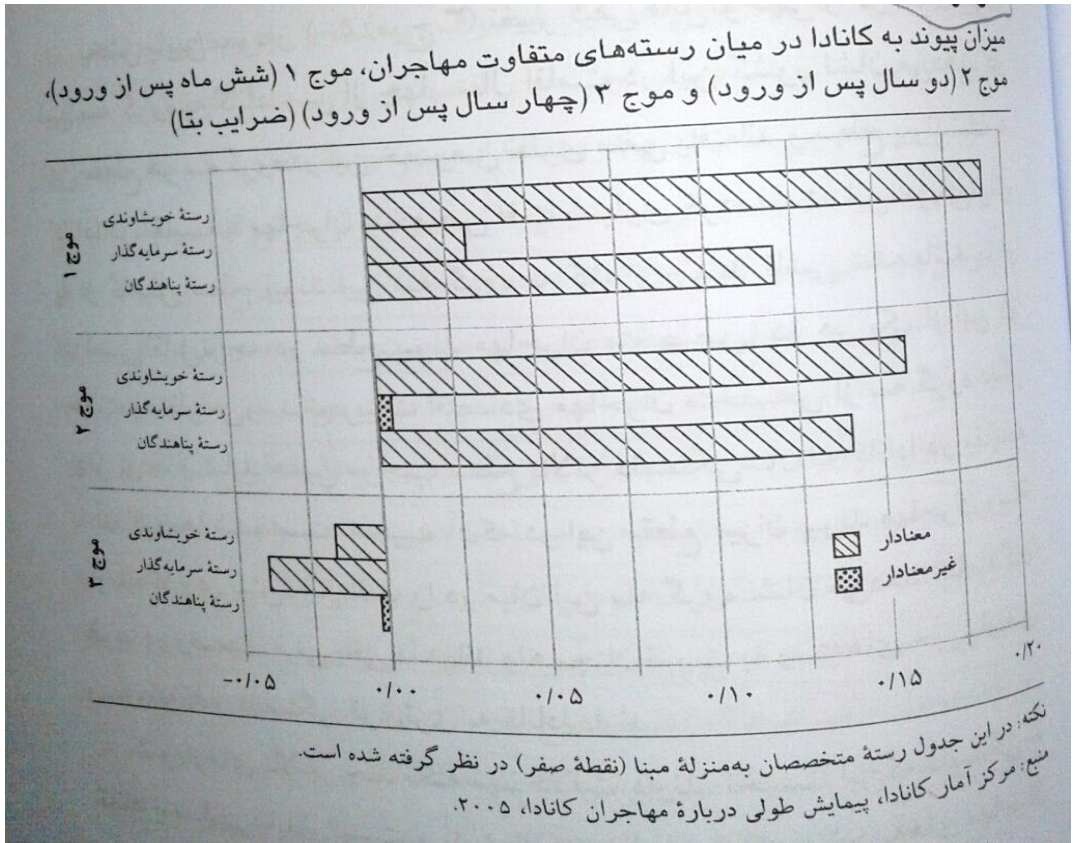

نمودارهای آماری مورد استفاده در کتاب

- توزیع مهاجران در کانادا بر مبنای شدت دلبستگی شان به گروه قومی خود و نیز به کانادا (ص۱۳۳)
- شاخص های کلی رضایت در میان مسلمانان کانادا (ص۱۶۹)
- دیدگاه کانادایی های بومی نسبت به اسلام (ص۱۷۱)
- پرسش از مسلمانان: به نظرتان چه نسبتی از کانادایی ها دیدگاهی خصمانه درباره ی مسلمانان دارند؟ (۱۷۳)
- پرسش از مسلمانان: لطفا نظرتان را درباره ی مسیحیان در گزینه های بسیار/نسبتا مثبت/منفی بیان کنید (ص۱۷۴)
- میزان اعتماد به مردم (نسبت جمعیتی که به نظرشان بیشتر مردم اعتمادپذیرند) بر حسب دین (ص۱۷۶)
- میزان اعتماد به همسایگان بر حسب دین (ص۱۷۷)
- نسبت جمعیت هر یک از اجتماعات دینی (واجدان شرایط شرکت در رای گیری) که در آخرین انتخابات ملی در کانادا شرکت کرده اند (ص۱۷۹)

نمودارهای آماری مورد استفاده در کتاب

- میزان اعتماد به مردم (نسبت جمعیتی که به نظرشان بیشتر مردم اعتمادپذیرند) بر حسب دین (ص۱۷۶)
- میزان اعتماد به همسایگان بر حسب دین (ص۱۷۷)
- نسبت جمعیت هر یک از اجتماعات دینی (واجدان شرایط شرکت در رای گیری) که در آخرین انتخابات ملی در کانادا شرکت کرده اند (ص۱۷۹)
- میزان رضایت کلی از زندگی بر حسب دین (۱۸۱)
- اگر زمان به عقب بازمیگشت دوباره به کانادا مهاجرت می کردید؟ پاسخ ها بر حسب دین (۱۸۱)

نمودارهای آماری مورد استفاده در کتاب

- نسبت مهاجرانی که تجربه شان را زا مهاجرت به کانادا فراتر از انتظار توصیف کرده اند بر حسب دین (۱۸۴)
- دغدغه های اصلی مسلمانان (مقایسه ی استان کبک با سایر مناطق کانادا) (۱۸۹)
- پرسش از مسلمان: آیا با این نظر که مهاجران باید پیشینه ی فرهنگیشان را کنار بگذارند و فرهنگ کانادایی را اتخاذ کنند موافقید یا مخالف؟ بر حسب ایالت (۱۹۲)
- میانگین درآمد و تعداد هفته های اشتغال در سال ۲۰۰۰ بر حسب دین (۱۹۹)
- نرخ فقر برحسب دین و وضعیت شهروندی (۲۰۱)

نمودارهای آماری مورد استفاده در کتاب

- نرخ فقر بر حسب محل تولد (۲۰۲)
- میانگین درآمد بر حسب دین و مدت اقامت در کانادا (۲۰۶)
- میانگین درآمد بر حسب دین و زمان سپری شده از مهاجرت (۲۰۹)
- مهاجرانی که پس از ورود به کانادا کاری یافته اند بر حسب دین (۲۱۲)
- میانگین زمان انتظار برای یافتن نخستین شغل پس از ورود به کانادا بر حسب دین (۲۱۴)
- مهمترین مشکل از زمان ورود به کانادا از نظر همه ی مهاجران (۲۱۶) (یافتن کاری مناسب، یادگیری زبان رسمی و موانع زبانی، از دست دادن حمایت خانوادگی یا اجتماعی موجود در وطن، آب و هوا، انطباق با فرهنگی و ارزش های جدید، فشارهای مالی،به رسمیت نشناخته شدن مدرک تحصیلی و سابقه کاری،فقدان تعامل اجتماعی، دسترسی به کمک های حرفه ای، پیدا کردن مسکن مناسب،وجود تبعیض و نژادپرستی، دسترسی به خدمات آموزشی و ...)

نمودارهای آماری مورد استفاده در کتاب

- خط سیر میانگین درآمد در موج۱، موج ۲ و موج ۳ بر حسب بالاترین سطح تحصیلات و دین (۲۲۱)

- نسبت مهاجرانی که به سبب دینشان مورد تبعیض واقع شده اند بر حسب دین و زمان سپری شده از مهاجرت (۲۴۱)

- و...